

نشریه داخلی تهران پنجم مرداد ماه ۱۳۹۷ خورشیدی شماره ۱۹۲

بنام خداوند جان و خرد

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است



پیشنهادات جبهه ملی ایران به هیئت حاکمه جمهوری اسلامی

هموطنان عزیز، ملت شرافتمند ایران،

عمل کرد حکومت جمهوری اسلامی در این مدت چهل سال به گونه ای بوده که اکنون این حکومت به جبر تاریخ در معرض از هم گسیختگی و فروپاشی قرار گرفته است. این حکومت با سوء رفتارها، ضعف مدیریتها، سیاست های نادرست داخلی و خارجی بدور از در نظر گرفتن منافع ملی، و فساد گسترده ی اغلب کارگزارانش، خود را به طور کلی از اعتبار و مشروعیت ساقط کرده و مبرود تا با اعمال نا صحیح خود، بر حیات خویش نقطه پایان بگذارد. این حاکمیت در روز های انقلاب با وعده برقراری آزادی و استقلال و عدالت و با شعار نه شرقی نه غربی، بر اینکه قدرت نشست و ساکن اداره امور این کشور کهنسل و با تمدن باستانی کم نظیر در جهان را به دست گرفت. اما از همان روز های نخست با اقدام های بدون محاکمه ی عادلانه و سرکوب هر آنکس که جدا از حاکمیت می اندیشید و با انحصار طلبی روز افزون، به بیان به همگان نشان داد که رفتارش تا چه اندازه با آزادی و عدالت فاصله دارد. اقدام خلاف عرف و اخلاق و خلاف قواعد بین المللی اشغال سفارت آمریکا و حرکت خفت بار گروگان گیری موجب مسدود شدن میلیاردها دلار از اموال کشورمان و زمینه ساز حمله عراق به ایران و آن جنگ ویرانگر هشت ساله با آن همه خسارات جانی و مالی برای این ملت گردید. جنگی که با اندکی درایت و عقلانیت به یقین قابل پیشگیری بود. اشغال سفارت آمریکا و گروگان گیری آمریکاییان سبب دشمنی بیهوده ای بین دو کشور گردید که تاکنون نیز ادامه دارد و در نتیجه این خصوصیت، ملت ایران میلیاردها دلار خسارت مالی متحمل شده و از دسترسی به موقعیت ها و امکانات سیاسی و اقتصادی فروانی محروم گشته است. فهرستی از دیگر رفتارهای نادرست حاکمیت برخاسته از انقلاب بدون هیچگونه سبب نامی و افراق گویی بدین شرح است. عدم رعایت

آزادی های اساسی ملت مانند آزادی احزاب، آزادی مطبوعات و آزادی انتخابات، ماجرای ترورهای خارج از کشور، قتل های زنجیره ای نفت انگیز در داخل، اعدام های چند هزار نفره سال ۶۷، کشتار مردم معترض در انتخابات سال ۸۸ که با معیار های خود حاکمیت انجام شده بود و قلع اسفیلر زندان کهر بزرگ در معقلب آن، کشتار دیماه ۹۶ در خیابان های یکصد شهر کشور، خودکشی هادر زندان ها، به هدر دادن میلیاردها دلار سرمایه های کشور در پروژه هسته ای و سپس تعطیل برنامه ها با فشار و مخالفت جامعه جهانی، دخالت در مناقشات کشور های منطقه به دور از منافع ملی و تحمیل هزینه های هنگفت ناشی از این دخالت ها بر کرده ملت مظلوم ایران، عدول از سیاست نه شرقی نه غربی " و کوتاه آمدن از اسفیلر حقوق مسلم ایران از دریای مازندران در مقابل روسیه، عدم اقدام قانونی برای دریافت غرامت جنگ از دولت متجاوز عراق، تصمیم گیری های نادرست و غیر کارشناسانه در مدیریت آب و محیط زیست، عدم توجه به علم و دانشمندان کشور و فراری دادن مغزها، هزینه کردن منابع مالی کشور در نهاد های ایدئولوژیک به جای بردن این منابع در پروژه های عمرانی و بالا بردن تولید و ایجاد کار آفرینی، ایجاد شرایط بیکاری گسترده، گرانی، تورم، امتیاد و فقر عمومی مردم همراه با مفاسد رنگارنگ اقتصادی و اجتماعی.

هموطنان عزیز، ملت شرافتمند ایران،

حدود سه سال قبل وقتی مذاکرات جمهوری اسلامی با گروه کشورهای ۱۰+۵ به نتیجه رسید و توافق تحت نام برجام صورت پذیرفت، مردم ایران امیدوار شدند که با انجام این توافق اموال مسدود شده آنان آزاد شده و نیز با ورود سرمایه های خارجی به کشور، از تنگناهای معیشتی و مشایق اقتصادی رهایی می یابند و بیکاری و فقر از جامعه ایران رخت بر می بندد و گام های بعدی برای بهبود روابط با جامعه جهانی برداشته خواهد شد. اما از یک سو

هیئت مذاکره کننده جمهوری اسلامی برای برداشتن قدم های بعدی به شدت بر حذر داشته شد و از سوی دیگر موشک های شعار نویسی شده به آسمان پرتاب شد. با این پیام که هم دولت مدعی تعدیل اوضاع و هم ملت ایران بدانند که چیزی عوض نشده و در بر همان پاشنه قبلی می چرخد. و نتیجتاً یک فرصت طلایی و تاریخی دیگر سوزانده شد و برجام آنگونه که باید و انتظار می رفت به فرجامی نرسید و بهانه های لازم برای خروج دولت جدید آمریکا از برجام هم فراهم گردید. و متأسفانه در مقابل این رفتارهای نا صحیح، هیچگونه عکس العملی از سوی دولت مدعی دانشن کلید راه حل مشکلات کشور به ظهور نرسید و اکنون میهن ما مجدداً زیر تیغ تهدید های جدید برای دور تازه ای از تحریم های فلج کننده قرار گرفته است، و هنوز تحریم ها آغاز نشده، ارزش پول ملی ما به سرعت و در ظرف چند روز در برابر ارزش های معتبر جهانی به نصف تقلیل یافته و فول گرایی و تورم و فقر و بیکاری رو به تازید و لجام گسیخته در دوری جدید به ملت ما جنگ و دندان نشان میدهد. در چنین دورانی پر تنش و با وجود بحران های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی که در جامعه ایران هویداست و ما دور نمای تیره و تار و نامشخصی که در مقابل کشور است، جای تعجب و تأسف بسیار است که سیاست حاکمیت جمهوری اسلامی همچنان کوبیدن بر تپیل سرکوب و خشونت و ایجاد اختلاف است. و جامعه ایران را از ششیدن نظرات میهن دوستان مستقل و دانشوران متفک و ملت محروم می نماید. اینگونه بر خوردها میلیون و آزادی خواهان در حالی صورت می گیرد که برخی از جریان های وابسته و پرورش یافته در آستین قدرت های بیگانه که از وجنات آنان چیزی جز جنس دیگری از دیگناتوری مشهود نیست، با داشتن تمام امکانات رسانه ای و حمایت های همه جانبه برای جانشینی حاکمیت به بن بست رسیده عزیز بر داشته اند.

ادامه در صفحه ۲

پیشنهادات جبهه ملی ایران به هیئت حاکمه جمهوری اسلامی

ادامه از صفحه ۱

هموطنان عزیز، ملت شرافتمند ایران،

امروز زمان بی تفاوتی و تسلیم شدن به برنامه‌هایی که از قبل برای میهنمان تدارک دیده شده است نیست. امروز باید بدانیم که برای آینده و وطنمان چه نوع سامانی را میخواهیم و چه نوع نظم و نسبی را خواهیم. امروز به فرس قاطع باید باور داشته باشیم که راه نجات و سعادت و رفاه ملت ایران دست یابی به آزادی و یک حاکمیت ملی سالم و پاکدست همراه با استقلال و عدالت اجتماعی است. تنها آزادی و حاکمیت ملی است که می‌تواند کشی طوفان زده و طن‌راه ساحل امن رهنمون گشته و امنیت و آسایش برای ملت ایران به ارمغان آورد. حاکمیت جمهوری اسلامی اگر آنگونه که در مقام حرف همواره ادعا کرده است، واقعا خواهان خدمتی به ملت ایران است، میتواند در فراهم کردن شرایط برای تغییر و تحول آرام و صحیح و تاریخ ساز در ایران نقشی سازنده ایفا کند و در غیر این صورت باید منتظر فسادات سخت تاریخ در مورد عمل کردش باقی ماند. جمهوری اسلامی میتواند با برداشتن این چند گام، خود و ملت ایران را از این بست‌ها و آینده مبهم و نامطلوب برهاند:

۱- سر بیا آشنی با ملت را اعلام کرده و کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی را در سراسر کشور آزاد نماید و از اعمال خشونت نسبت به مردم معترض و جان به لب رسیده ایران دست بردارد.

۲- هر چه زود تر آزادی‌های سیاسی مانند آزادی احزاب و اجتماعات و آزادی بیان و قلم را به شکلی حقیقی محقق نماید.

۳- یک انتخابات آزاد و بدون دخالت نهادهای حکومتی و تحت نظارت هیئتی قابل قبول برای همگان، جهت برپایی یک مجلس مؤسسان واقعی برای تدوین یک قانون اساسی جدید و تعیین شکل حکومتی آینده کشور برگزار کند و تصمیمات آن مجلس را هر چه که باشد در تمام زمینه‌ها محترم بشمارد و از آن‌ها منکین ننماید.

خاموش باد نغمه‌های شوم تجزیه طلبی ایران

به سه قسمت تقسیم شد. شمال بخارا تحت تسلط خانهای بخارا قرار گرفت. و غرب افغانستان منضم به ایران گشته و تحت حاکمیت دولت صفوی ششم آمد.

منطقه قندهار در جنوب افغانستان منطقه بی‌طرفی بود میان حکومت صفویها و سلطه صفوی در ایران.

در زمان شاه سلطان حسین صفوی، در اثر بی‌تدبیری حاکمان وقت، محمود افغان شورش کرد و با قتل شاه سلطان حسین صفوی، به مدت کوتاهی به عنوان شاه محمود بر اسفهان مسلط گردید. پس از او اشرف افغان به جای او نشست که با ظهور نادر شاه، از ایران کر پخت. و در بازگشت به افغانستان به قتل رسید. و شورش افغانها به پایان رسید.

در دوران محمدشاه قاجار اما با دسیسه انگلستان که همیشه دغدغه دور کردن هر تجاوزی به هندوستان را در سر داشت.

هرات و غرب افغانستان را با لشکر کشی به جنوب و تهدید ایران برای همیشه از ایران جدا کرد.

خطر دیگری که از سر ملت ایران گذشت، غاصب آذربایجان در ۱۳۳۵ هجری شمسی بود که مزدوران اتحاد جماهیر شوروی قصد تجزیه آذربایجان ایران و منضم کردن آن به جمهوری آذربایجان شوروی را داشتند. خوشبختانه

پس از یک سال حکومت جعفر پیشه وری و غلام یحیی و گروههای تجزیه طلب ایران در آذربایجان، ایالات متحده امریکا، استالین را تهدید کرد. در صورت عدم تخلیه آذربایجان، امریکا با بمب آتوم شوروی را مورد حمله قرار خواهد داد. با این تهدید، دارو دسته پیشه وری آذربایجان را تخلیه کرده و به شوروی کر پختند. سپس ارتش ایران وارد آذربایجان شد.

و اما در مورد بحرین، بحرین از دوران پیش از اسلام بخشی جداناپذیر از سرزمین ایران بشمار می‌آمد. بحرین تا تجزیه آن در ۱۳۳۹ هجری شمسی استان چهاردهم ایران به حساب می‌آمد. بعد از جنگ دوم جهانی، بریتانیا بر جزایر خلیج فارس مسلط گردید. و بحرین را مرکز اداره خلیج فارس و جزایر آن قرار داد. بحرین با پشتیبانی کامل دولت انگلستان، به قطر و امیر نشین دیگر عرب پیوست که در آن روز به آنها امیر نشینان متحد خلیج فارس می‌گفتند که

بعدا بحرین و هر یک از امیر نشینان خلیج فارس استقلال یابند. چگونگی تجزیه بحرین از ایران.

در اواخر ۱۹۷۰ میلادی، حکومت ایران از دیر گز سازمان ملل خواست که در مورد استقلال بحرین از ایران به یک همه پرسی رجوع کرد و منظر مردمان جزیر را خواستار شود. در این به اصطلاح

ایران، از عصر کورش، هرگز رنگ تجزیه و جدایی ایالات و استانهای خود را ندید تا در دوران حمله اعراب به ایران که با فرو ر بخش کاخ امپراتوری ساسانی، بخشهای گوناگون کشور تجزیه گشته و کشور بزرگ ایران به یک نظام فئودالی تبدیل گردید. پس از سقوط سلطه ساسانی، ایران و بیخ یا سرزمین ایران، به ایالات مستقلی مانند خراسان، سیستان، طبرستان، فارس، آذربایجان، کرمان، خوزستان، یزد، لرستان، ترکمنستان وری تقسیم گردید و هر یک تحت فرمان یک امیر یا یک پادشاه قرار گرفت.

تنها شاه عباس کبیر بود که وحدت ایران را با نیروی نظامی خود دوباره برقرار کرد. این وحدت در دوران نادر شاه افشار، کریم خان زند، و اقامت محمد خان قاجار تداوم یافت. مناسقاته اما، در دوره فتحشاه قاجار، دو جنگ میان ایران و روسیه در گرفت. نوره اول در اواسط سال ۱۲۹۸ هجری قمری مصادف با ۱۸۰۴ میلادی، یعنی یک سال پیش از امپراتوری ناپلئون بناپارت در فرانسه، آغاز و در اواخر سال ۱۲۹۸ مصادف با ۱۸۱۳ میلادی پایان یافت. این جنگ، با تلف بسیار، به شکست ایران انجامید، و با میانجی گری انگلستان عهد نامه تنگین "گلستان" در فراباغ میان ایران و روسیه منعقد شد طبق عهدنامه گلستان، تمام ولایات قره باغ، گنجد، شکی، شیروان، قوبا، دربند، باکو و قسمتی از طالش و تمامی دناستان و گرجستان که به ایران تعلق داشت، به تصرف روسیه تزاری درآمد.

دومین جنگ میان ایران و روس در سال ۱۲۲۱ ه. ق. مصادف با ۱۸۳۶ میلادی در گرفت، ایران که در این دوران فتحشاه قاجار بر آن سلطنت می‌کرد. در ۱۲۲۲، مصادف با ۱۸۳۸ میلادی از روسیه شکست خورد. و باز با وساطت دولت بریتانیا، عهدنامه ترکمان چای میان ایران و روسیه بسته شد که به موجب آن رود ارس مرز میان ایران و روسیه تعیین گردید. و دشت صفان و بندر لنگران و کشی رانی در پای خزر به روسیه واگذار گردید.

دو معاهده گلستان و ترکمان چای در قرن نوزدهم میلادی موجب تجزیه ایران و جدایی ولایات و شهرهای بسیاری از ایران زمین گردید.

تجزیه بلخ مملت ایران از تجزیه گوشه دیگری از خاک و وطنی، جدایی بخشی غربی افغانستان از ایران بود.

افغانستان در دوره شاهنشاهی قاجاریه و ساسانی تحت سلطه حکومت ایران بود.

پس از تسلط کامل اعراب بر سرزمین ایران، در افغانستان امپراتوری‌های گوناگونی، هندو شاهی، سامانی، غزنوی، مغول، و تیموری بر سر کار آمدند. از قرن شانزدهم تا هفدهم میلادی، افغانستان

"فرانکوم" از مردم بحرین سوال شد که می‌خواهند مستقل باشند یا تحت تسلط حکومت ایران بمانند. در این همه بررسی طبق گزارش نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد، اکثریت قاطع مردم بحرین در خواست شناخت هویت آنان به عنوان یک دولت حاکم شدند که برای سرزودت کشور خود آرا دانه و فرخ از اراده هر کشور دیگری، تصمیم گیری کنند. بنا بر این، شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه ۲۲۸ در ۱۱ مه ۱۹۷۰، برابر با ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۹، رسماً استقلال بحرین را اعلام کرد و ایران نیز از حق حاکمیت خود بر آن جزیره چشم پوشی کرد. این واقعه از رویدادهای شوم تاریخ ایران در دوره پهلوی دوم و حیانت آشکار به ملت ایران است.

از آن تاریخ تا کنون هیچ رویه‌یاد در مذاکراتی از این دست برای سرزمین ایران اتفاق نیافتاده است. اما اکنون نغمه‌های شومی از داخل و خارج از کشور به گوش می‌رسد.

گروه‌های پان ترک‌گست پش از انقلاب اسلامی و هر از گاه در زمان کنونی سخن از استقلال آذربایجان می‌گویند در حالی‌که آذربایجان چه شرقی، چه غربی به منزله سر ایران به‌شمار می‌آیند، و ایرانیان آتری از وطن پرست‌ترین مردم ایران به‌شمار می‌آیند. ایرانیان وطن پرست، جدایی یک وجه از خاک ایران را بر نمی‌تابند، و با تمام قوا باید در برابر این حرکات خصمانه ایستاد. گردان ایران نیز ایرانی اصیل و از وطن پرست‌ترین اقوام ایرانی بوده و هستند.

فراموش نمی‌شود که چند سال پیش نقشه‌ای در ایران افسوسناک پخته بود که وطن‌مبارا به پنج جمهوری مستقل تقسیم و تیزه کرده بود. جمهوری‌های آذربایجان، خوزستان، کردستان، بلوچستان و ترکمنستان، بقیه هم تحت عنوان ایرانستان باقی می‌مانند. این هولناک‌ترین خواهی است که قدرتهای استعماری نوین، و سرمایه داری و جنگ طلب برتری کشور ما دیده‌اند.

طبق آنچه در رساله‌ها منتشر شده، طراح این طرح شخصی است به نام "برنارد لویش". او نویسنده و مورخ آمریکایی - انگلیسی، و استاد ممتاز دانشگاه پرینستون آمریکاست و نویسنده کتابهای اسلام و غرب، اعراب در تاریخ، بحران اسلام و کتابهای دیگر است.

برنارد لویش نظریه پرداز "برخورد تمدنهاست" و بر این باور است که اسلام و غرب با هم برخورد خواهند کرد. به عقیده او مسیحیت و اسلام تنها ادینی هستند که مدعی ترک حقیقت جهانی هستند، همین ادعا موجب برخورد آنها خواهد شد. مسیحیان و مسلمانان تنها هر نمی‌هستند که ادعای کنند که در یافت کننده سعادت تمدن آخرین پیام خداوند، به انسان هستند، و باید آنها را به کل بشریت برسانند، و مانند یهودیان و هندوان و بودائیان نیستند که این پیام را فقط برای خود نگه دارند. بنابر این، تومذهب بزرگ مسیحیت و اسلام دارای یک پیش‌شماه هستند با زمینه‌های اختلاف مبهم و غیر روشن گمشده به‌شانه هم می‌زنند. اینجاست که برخورد این دو جنبه‌ی خصمی است.

این مورخ در مصاحبه‌ای می‌گوید:

"اسلام در چهارده قرن به زندگی میلیون‌ها انسان فقر زده و تیره‌بخت، معنا و بزرگی بخشید. تمدن بزرگی برپا ساخت که به کشورهای متعددی رسوخ یافت. اکنون اما دچار بحران شده و راه دیگری می‌رود. اسلام می‌تواند به یک نظام استبدادی تبدیل شود که برای مسلمانان جهان فاجعه‌آفرین گردد، و یا می‌تواند در راه دموکراسی گام بردارد که اکنون علاقمندی از آن دیده می‌شود.

در هر صورت، جنبه‌ی ملی ایران، در این آشفته بازار سیاست و اقتصاد و قدرت، هر گونه‌اندیشه تعزیه طلبی را محکوم کرده و به ملت بزرگ ایران هشدار می‌دهد که سرمایه داری جدید و جنگ‌آفرین جهانی هر روز برای کشورهای ثروتمند جهان خواب‌آشفتگی می‌بیند. تا به قول نیکسون در کتاب "جنگ و صلح" قدرتهای غربی نتوانند سطح زندگی اقتصادی، و برتری نظامی، و سیاسی خود را نسبت به سایر کشورها حفظ نمایند. حمله کردن ایران، شایسته‌ی ملی نیست که با انتظار حدود سه هزار سال بر تارک فرهنگ بشریت ترخشیده است. بدین اعتبار، این وظیفه فردرسلت ایران و تابعان جامعه ایرانی است که از تعامیت لرضی ایران و یکپارچگی سیاسی و فرهنگی آن دفاع نموده و پاسدار این مرز و بوم گه‌ن سال خود باشند. و این به عهده حاکمیت جمهوری اسلامی است که باید با رفع تبعیضات و توجه به استان‌های محروم و ایجاد کار و بالا بردن سطح زندگی مردم ساکن در این استان‌ها، نغمه‌های شوم تعزیه طلبی را در کشور خاموش نماید.

فساد در قوه قضائیه

ایران در سال‌های اخیر کشوری شده است که از جهت رضایت مردم از قوه قضائیه به پایین‌ترین سطح تنزل کرده است. خیلی ساده، مردم به دادگستری هم بی‌اعتقاد شده‌اند و این درد بزرگی است.

هر چه بگذرد نمکش می‌زنند و ای به روزی که بگذرد نمک

انگلسان در جنگ جهانی دوم در زیر فشار حمله‌های آلمان هیتلری به مشکلات اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی و فساد اداری زیادی دچار شده بود. مردم و نمایندگان مجلس عوام به وینستون چرچیل نخست‌وزیر وقت حمله کردند که با مدیریت نا درست جامعه را رو به زوال میبرد و هیچ یک از نهادهای دولتی و دستگاه‌های عمومی مثل گذشته انجام وظیفه نمی‌کند. چرچیل در برابر این حملات به منتقدان خود گفت، ما در شرایط جنگ به سر می‌بریم و اشکالات زیادی داریم. اما من از شما می‌پرسم که آیا دادگاه‌های ما هم خلاف انصاف و عدالت کار می‌کنند؟ آیا قضات ما هم فساد اخلاقی و مالی دارند؟ منتقدان صادقانه پاسخ دادند که قوه قضائیه همچنان مثل سابق بر اساس رویه قضایی قدیم‌رای می‌دهد و اخلاقی مرتکب نمی‌شود. چرچیل گفت من به شما اطمینان می‌دهم که وقتی دادگاه‌ها سالم باشند دیر یا زود جامعه اصلاح خواهد شد و منتقدین و مخالفان گرفتار خواهند شد و در نهایت حق به‌حق ناز خواهد رسید.

شوریه‌خانه قوه قضائیه جمهوری اسلامی خودش از سلامت کافی برخوردار نیست تا بتوان برای اصلاح جامعه و احقاق حقوق شهروندان به آن امید بست. بسیاری از مردم عادی تجربیات شخصی تلخی از دادسراها و دادگاه‌ها دارند، اما پرونده‌های کلان رانت خواری و اختلاس بازمین خواری و گوه خواری یا تخریب محیط زیست که اکثریت متخلفان آن‌ها وابسته به حاکمیت اند اصلاح‌یچ‌یابندی به قانون و هیچ ترسی از دادگاه ندارند چون میدانند که به اصطلاح زوری از خودشان است. آری عدم اعتماد مردم حتی به قضات دادگستری در جمهوری اسلامی بگ فاجعه است. وای به روزی که بگذرد نمک.

اصول عقاید و هدف‌های جبهه ملی ایران

اصل اول - حفظ تمامیت ارضی، استقرار حاکمیت ملی و استقلال سیاسی برخاسته از اراده عمومی ملت ایران در نظام جمهوری مبتنی بر اصول دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون.

اصل دوم - تأکید بر تأمین و حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی مردم ایران به ویژه آزادی احزاب، انتخابات و مطبوعات و تساوی حقوق زن و مرد و مبارزه با هرگونه تجاوز به حقوق بشر.

اصل سوم - جبهه ملی ایران برای حفظ احترام دین سین اسلام و همچنین فراهم شدن امکان بهره‌گیری از تمامی توان ملی و مردمی جامعه ایران بر اصل جدایی دین از حکومت تأکید می‌کند.

اصل چهارم - استقرار عدالت اجتماعی و بالا بردن سطح رفاه عمومی بر اساس جهان بینی علمی، رشد تولید و افزایش اشتغال و توزیع عادلانه درآمد ملی.

اصل پنجم - احترام به حقوق شهروندی برابر و اعتقادات دینی و آداب و رسوم و زبانها و گویش‌های تمامی تیره‌ها و مردم سرزمین ایران.

اصل ششم - تقویت و پاسداری و گسترش زبان ملی و مشترک فارسی و فرهنگ و هنرهای ملی ایران.

اصل هفتم - اتخاذ سیاست خارجی مستقل ایرانی بر اساس حفظ مصالح و منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور و پیشینیان از اصول و هدف‌های منشور ملل متحد دوستی و احترام متقابل با همه ملت‌ها و کشورها به ویژه کشورهای منطقه و مبارزه با هرگونه تروریسم فردی و گروهی و دولتی.

دریغ از صلح

دریغ و درد که گیتی دچار خونجگری ست چرا که صلح جهان پایکوب خیره‌سری ست
دریغ و درد که اهریمن نباحی و جنگ نشان دهنده سیمای قهر و کینه‌وری ست
آدمب پروند

مهندس عباس امیر انتظام به رحمت ایزدی پیوست

مهندس عباس امیر انتظام متولد ۲۷ مرداد ۱۳۱۱ خورشیدی در تهران، عضو هیات رهبری جبهه ملی ایران، مبارز دیرپای راه آزادی و راه مصدق بزرگ، سیاستمدار ارضی، معاون نخست‌وزیر و نیز سخنگوی دولت مهابدی بازرگان بود. امیر انتظام نخستین و قدیمی‌ترین زندانی سیاسی پس از انقلاب ایران به‌شمار می‌رفت که از تاریخ ۲۸ آذر ماه ۱۳۵۸ تا ۳۷۵/۵ خورشیدی در حبس به سر برد. امیر انتظام در سال ۱۳۲۷ ضمن تحصیل در دبیرستان دارالفنون جذب جنبش ملی ایران به رهبری دکتر مصدق شد، او پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به نهضت مقاومت ملی پیوست و علیه کودتا به مبارزه برخاست، او در دوران انقلاب در کنار مهندس بازرگان برای پیروزی انقلاب تلاش نمود. او بعد از انقلاب به عنوان سخنگوی دولت مهابدی بازرگان و سپس مدیر ایران در سوئد و اسکاتلندباری به فعالیت پرداخت.

وی در تاریخ ۱۳۵۸/۶/۲۸ به اتهامات واهی و بی‌اساس ابتدا به اتهام دستبند به حبس آمد محکوم گردید. او در تمامی سال‌های محکومیتش خواستار برگزاری دادگاه تجدید نظر و اعاده حیثیت خویش گردید. امیر انتظام در سال ۱۳۷۵ برای درمان بیماری‌های متعددی که طی سالها زندانی بودنش، ایجاد شده بود با مرخصی استعلاجی از زندان بیرون آمد.

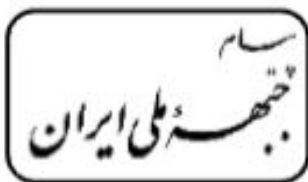
عباس امیر انتظام طی دو دهه گذشته عضو شورای مرکزی و هیات رهبری جبهه ملی ایران بود. روز پنجشنبه ۲۱ تیر ماه اخیر در گذشت مهندس عباس امیر انتظام بر فراز پست قلبی منتشر گردید، روز جمعه ۲۲ تیرماه جمعیت انبوهی از فعالان سیاسی و دوست‌داران امیر انتظام در منزل او تجمع نمودند در این گردهمایی بزرگ، دکتر خرم‌داس باوند، دکتر حسین موسویان، دکتر علی‌رشدی، مهندس محمد نوری و برخی از همفکران ایشان در سخنانی از این شخصیت ملی تحلیل کردند.

در مراسم تدفین عباس امیر انتظام، احمد منطقی، فرزند آیت‌الله منطقی در بهشت بهرامیو پیگر او نماز خواند، در این مراسم شرکت کنندگان با سر دادن شعارهایی چون: "عزرا عزاست امروز امیر انتظام مظلوم پیش خدایست امروز، مصدق فهردان صاحب عزاست امروز." و خواندن سرود ملی ایران پیگر او را به قطعه هفت بهشت زهرا تشییع کردند.

الله امیر انتظام، همسر آقای امیر انتظام در جمع تشییع کنندگان گفت که آرزوی همسرش "ما سخن دوباره ایران بزرگ" بوده و او همه خواست‌ها که "برای بزرگی و منزلت و آینده روشن ایران" بگوشد و اختلالات را کنار بگذارد.

همچنین مراسم بزرگداشت عباس امیر انتظام عصر جمعه ۲۹ تیر ماه در مجتمع آموزشی لیکوتکاری رعد برگزار شد. در مراسم بزرگداشت عباس امیر انتظام جمیع بزرگی از فعالان سیاسی و مدنی حضور داشتند.

در این مراسم الله میزانی همسر امیر انتظام با قرآنت دلنوشته‌ای یاد و خاطره او را گرامی داشت، وی همچنین با بیان اینکه «امیر انتظام محقق بی ایران و همه علوم و مذاهب بوده، خاطر نشان کرد: امیر انتظام در روزی که چندان دور محصل بی مهربی‌های بسیاری گردید، اما هیچگاه از کسی دلگیر نشد و می‌گفت: روزی من را خواهند شناخت، اگرچه که ممکن است آن روز من نباشم، خانم دکتر آئین موحّد، آقای دکتر مازیار مصطفوی و خانم مصطفوی از دیگر سخنرانان این مراسم بودند.



نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسیا

<http://jebhemeliiran.org>

E-mail: info@jebhemeliiran.org

نسلیت به خانواده‌های ارجمند بسته نگار و طالقانی

خانواده‌های ارجمند بسته نگار و طالقانی

با دریغ و تأسف بسیار درگذشت آقای محمد بسته نگار مبارز خستگی ناپذیر راه مصدق بزرگ یعنی راه آزادی و استقلال ایران را به آن خانواده‌های گرانقدر نسلیت می‌گوییم.

محمد بسته نگار در تمام طول عمر پر افتخارش، چه قبل و چه بعد از انقلاب برای آزادی و استقلال و عدالت در این سرزمین تلاش نمود و با استبداد و دیکتاتوری در هر زمان و در هر لباس مبارزه کرد.

یاد و نام او را گرامی میداریم.

۲۵ تیر ماه ۱۳۹۷ تهران هیئت اجراییه جبهه ملی ایران

تاریخ انتشار در سایت سازمان سوسیالیستهای ایران - سوسیالیستهای طرفدار راه مصدق

- در روز جمعه ۵ مرداد ۱۳۹۷ / ۲۷ ژوئیه ۲۰۱۸